

میدون و سوفیا

بیخ ریش ما شماید!



► **پوریا عالمی**

- سوفیا، عشقم... اینجا را گوش کن:

در جلسه مطبوعاتی شهردار مشهد، یکی از خبرنگاران از معاون فرهنگی شهردار انتقاد کرد و گفت: «متأسفانه آقای زارعی جوابگوی خبرنگاران نیست و همین که متوجه می‌شوند خبرنگار هستیم از مصاحبه طفره می‌روند».

محمدرضا کلایی، شهردار مشهد، در واکنش به این انتقاد گفت: «برای راستی آزمایی این مسئله تماسی با معاون فرهنگی می‌گیریم تا ببینیم جوابگو هستند یا خیر».

خلاصه خبرنگار رسانه معترض به عملکرد معاون فرهنگی با وی تماس گرفت و با جوابی از جانب معاون فرهنگی مواجه نشد!

بعد شهردار به معاونش زنگ زد و تلفن را گذاشت روی بلندگو که معاون فرهنگی پاسخ داد! حالا همه دارند می‌شنوند.

اون‌وقت شهردار را برخواستن اعتراض کرد که چرا تلفن خبرنگار را بر نداشته؟

که معاون هم عصبانی می‌شود و می‌گوید: «مانی که من در جلسه هستم، چگونه پاسخ خبرنگار را بدهم، در جلسه حتی جواب تماس زن و فرزند خود را نمی‌دهم»، بعد هم چهار تا لیچار و حرف درشت بار خبرنگارها کرد.

نتیجه این داستان چیست سوفیا؟

• ما به لیست امید رای دادیم. لیست امید اصلاح‌طلبان بودند. شهردارها و شورای شهرها و مجلس الان این‌طوری شده، کاریش نمی‌شود کرد. به قول بابای سوفیا؛ مال چی بیخ ریش حاجبش؟

زیر آسمان جهان

چشم‌انداز جمعیت‌زمین

- سازمان ملل متحد اخیرا گزارشی درباره «چشم‌انداز جمعیت جهان ۲۰۱۹» منتشر کرده است که در زیر چند نکته برجسته آن می‌آید:**
- انتظار می‌رود جمعیت جهان در ۳۰ سال پیش‌رو دو میلیارد نفر رشد کند و به ۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون نفر در ۲۰۵۰ افزایش یابد و در اواخر این سده می‌تواند به حدود ۱۱ میلیارد نفر، به اوج خود برسد.
- ۹ کشور بیش از نیمی از رشد پیش‌بینی‌شده جمعیت جهان تا ۲۰۵۰ را تشکیل می‌دهند؛ هند، نیجریه، پاکستان، کنگو، اتیوپی، تانزانیا، اندونزی، مصر و آمریکا.
- ۲۰۲۷، هند جای چین را از نظر جمعیت بگیرد.
- جمعیت منطقه جنوب صحرای آفریقا تا ۲۰۵۰ دوبرابر می‌شود. (افزایش ۹۹ درصدی)
- پیش‌بینی شده است که نرخ باروری جهانی از ۲.۵ تولد اسمال به ۲.۲ تولد به ازای هر زن در ۲۰۵۰ برسد. اکنون میانگین نرخ باروری در آفریقای زیر صحر(۴.۶) تولد برای هر زن است.
- انتظار می‌رود که امید به زندگی در بدو تولد در جهان، از ۷۲.۶ سال در ۲۰۱۹ به ۷۷.۱ سال در ۲۰۵۰ افزایش یابد.
- مردم فقیرترین کشورهای هنوز هفت سال کمتر از میانگین جهانی عمر می‌کنند.
- تا ۲۰۵۰، نفر از میان هر شش نفر در جهان، سنش بالاتر از ۶۵ سال خواهد بود و جهان به سوی پیری می‌رود.
- کاهش تعداد جمعیت در سن کار باعث ایجاد فشار بر نظام‌های تأمین اجتماعی می‌شود.
- مهاجرت به عاملی اصلی تغییر جمعیتی در برخی از کشورها تبدیل شده است.

بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۱۴،۲۰ کشور با منطقه شاهد ورود بیش از یک میلیون مهاجر خواهند بود، درحالی‌که ۱۰ کشور شاهد خروجی به همین شدت خواهند بود. برخی از بزرگ‌ترین خروجی‌ها به دلیل تقاضا برای کارگر مهاجر (بنگلادش، نپال و فیلیپین) یا به‌خاطر خشونت، ناآمنی و درگیری مسلحانه (میانمار، سوریه و ونزوئلا) خواهد بود. پلازوس، اسلونی، آلمان، مجارستان، ایتالیا، ژاپن، فراسویون روسیه، صربستان و اوکراین طی این دهه شاهد ورود مهاجر خواهند بود و این باعث می‌شود کاهش جمعیت حاصله از پیشی‌گرفتن میزان مرگ از میزان تولد، بی‌اثر شود.

این گزارش، نقشه راهی به دست می‌دهد که مسئولان در کجا باید به اقدام و مداخله دست بزنند. بسیاری از جمعیت‌های دارای رشد سریع، در فقیرترین کشورهای جهان واقع شده‌اند، رشد جمعیت در این کشورها چالش‌های جدیدی در تلاش برای ابران‌مردن فقر، به‌دست‌آوردن برابری بیشتر، مبارزه با گرسنگی و سوءتغذیه و بهبودبخشیدن به پوشش و کیفیت نظام‌های بهداشتی و آموزشی برای اطمینان از اینکه کسی نادیده انگاشته نشود، به وجود می‌آورد. در این گزارش تأیید شده که جمعیت جهان، به دلیل امید به زندگی رو به افزایش و باروری رو به کاهش، در حال پیرشدن است و تعداد کشورهایی که شاهد کاهش جمعیت‌اند، رو به رشد است. نتایج تغییرات پیش‌رو در اندازه، ترکیب و توزیع جمعیت جهان، عواقب مهمی را برای دستیابی به آرمان‌های توسعه پایدار در پی دارد؛ یعنی اهدافی برای بهترکردن شکوفایی اقتصادی و رفاه اجتماعی، در عین توجه به محیط زیست که کشورهای جهان با آن موافقت کرده‌اند.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

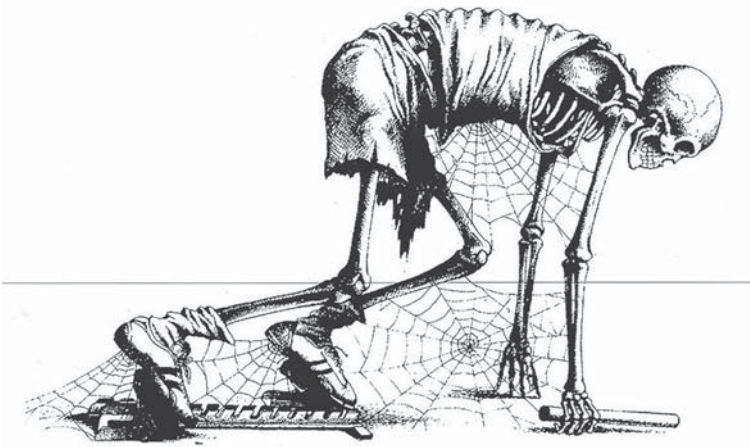
چهارشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۸
۷ ذی‌القعدة ۱۴۴۰
۱۰ جولای ۲۰۱۹
۳۰ سال‌شازدهم
شماره ۳۴۷۱
۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰
اذان مغرب ۲۰:۴۳
اذان صبح‌فردا ۴:۱۳
طلوع آفتاب ۵:۵۷

روزنامه‌فردا



► **کلود سر**

کار تون خواب



پرنده آبی

۱۸ تیر و خاطراتش

۲۰ سال گذشته است از همان روزهایی که اتفاقات کوی دانشگاه رخ داد. ما روزنامه‌نگاران کنونی و آن‌زمانی هنوز نمی‌توانیم بگوییم چه شد که آن‌گونه شد؟ بر سر کسانی که در آن روزها حضور داشتند، چه آمد؟ آن مسئولان، آن دانشجویان، آن زندانیان، آن زخمی‌ها و... چه شدند؟ چه طنز غریبی است که آسیب‌دیدگان تلخ‌تر شدند، برخی به براندازان پیوستند و برخی دیگر به سکوت و سکون پیوستند. مرور آنچه در این یکی، دو روز در شبکه‌های اجتماعی رخ داده، می‌تواند اشک را در چشمان برخی، نفرت را در دل برخی دیگر، حسرت و اندوه را برای دیگرانی زنده کند. اما بعد تاریخی بر بیشتر اظهارنظرها در شبکه‌های اجتماعی غلبه دارد. مرکز اسناد انقلاب فیلم کمتر دیده و شنیده‌شده از مواضع هاشمی‌رفسنجانی و حسن روحانی درباره ۱۸ تیر ۷۸ منتشر کرده که با استقبال فراوان جمعی از کاربران روبه‌رو شده است. حجت‌الاسلام حسن روحانی در سال ۷۸ از سرکوب عناصر فرصت‌طلب گفته و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در واکنش به قضایای ۱۸ تیر تأکید داشته است: «هر حرکتی جدای از رهبری باشد محکوم به شکست است»؛ از نظر کاربری عاقبت حاضران در ۱۸ تیر و اتفاقات ۸۸ یکی بوده «درویزی در غرب و تلاش برای تحریم بیشتر ایران. و در این، عبرت‌هاست برای اهل ایمان». البته یکی از کسانی که تصویرهای او در آن روزگار منتشر شد اکنون پر از نفرت است. برخی هم یادی کردند از شاکیلان خصوصی روزنامه سلام در سال ۷۸؛ محمود احمدی‌نژاد، کامران دانشجو، حمیدرضا ترقی و مهدی‌رضا درویش‌زاده. دکتر درویش‌زاده

دیده و شنیده‌شده از مواضع هاشمی‌رفسنجانی و حسن روحانی درباره ۱۸ تیر ۷۸ منتشر کرده که با استقبال فراوان جمعی از کاربران روبه‌رو شده است. حجت‌الاسلام حسن روحانی در سال ۷۸ از سرکوب عناصر فرصت‌طلب گفته و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در واکنش به قضایای ۱۸ تیر تأکید داشته است: «هر حرکتی جدای از رهبری باشد محکوم به شکست است»؛ از نظر کاربری عاقبت حاضران در ۱۸ تیر و اتفاقات ۸۸ یکی بوده «درویزی در غرب و تلاش برای تحریم بیشتر ایران. و در این، عبرت‌هاست برای اهل ایمان». البته یکی از کسانی که تصویرهای او در آن روزگار منتشر شد اکنون پر از نفرت است. برخی هم یادی کردند از شاکیلان خصوصی روزنامه سلام در سال ۷۸؛ محمود احمدی‌نژاد، کامران دانشجو، حمیدرضا ترقی و مهدی‌رضا درویش‌زاده. دکتر درویش‌زاده

تجربه ما

اندکی مهربانی
شبکه‌های اجتماعی با تمام مسائلش فرصتی است برای انتشار و بازنمایی تمام کارهای خوب و متفاوتی که هر روز در گوشه‌وکنار ایران و جهان اتفاق می‌افتد، مثل متن نامه حضرت امیر به مالک اشتر که در آن آمده است: «و مهربانی بر مردم را برای دل خود پوششی گردان و دوستی‌ورزیدن با آنان را و مهربانی‌کردن با همگان را همچون حیوان درنده مباحش که خوردنشان را غنیمت شماری ...». اما اگر مروری در شبکه‌های اجتماعی بکنیم، هر چندوقت یک‌بار اتفاقاتی را می‌بینیم که پرده اشکی را بر چشمانمان می‌نشاند؛ از فروشگاه‌های که قفسه‌ای را خاص مادران سرپرست خانواده تدارک دیده است یا کسی که توانسته از کیف مهربانی را بیاموزند.

ابوالحسن داودی

وضعیت فعلی جامعه ما وضعیتی نامتقارن است. اوایل وقتی اتفاقات مربوط به تحریم‌ها رخ داد، واکنش‌های مشخص‌تر و منطقی‌تری به این موضوع از جانب مردم دیده شد؛ درحالی‌که رفتار و تلقی گروه‌های ایوزنیسیون نسبت به حاکمیت همچنان سر جای خودش بود، تأثیر مثبتی که رفتارهای غیرانسانی ترامپ روی جامعه ایرانی گذاشت، باعث شد اتحادی فراتر از سلیقه‌های سیاسی و جناحی بین مردم نسبت به حفظ وطن و غرورشان به وجود بیاید .

اکنون که با فشار اقتصادی شدیدی مواجه هستیم، فشاری که روزبه‌روز هم بیشتر می‌شود و برای همه هم مشهود است؛ به‌عنوان کسی که ناظر این وقایع است، باید بگویم که اکنون در جامعه فضای «سرشده‌ای» به وجود آمده است. این روزها فشار اقتصادی آن‌قدر زیاد است که جامعه انگار دیردی احساس نمی‌کند. ما یک جور بی‌تفاوتی در جامعه می‌بینیم و عکس‌العمل مردم خنثی شده و این هم برای حاکمیت و هم برای مردم خطرناک است.

من حدود یک سال است که از اکران آخرین فیلمم یعنی «هزارپا» گذشته است؛ یک سال قبل از تولید هزارپا، وقتی می‌خواستم فیلم جدید را تولید کنم،

سلام به فردا

نخ تسبیح این روزهایمان باید امید باشد



از همان ابتدا خواسته‌ام این بود که یک فیلم کم‌دی بسازم؛ یک فیلم کم‌دی، چراکه می‌دانستم مردم نیازی به افاضات روشنفکرانه افرادی مثل من ندارند و بیشتر به سرگرمی مفید و استاندارد نیاز دارند، حاصل این فیلم در اکران نشان داد که اشتباه فکر نکرده بودم؛ اما اکنون که با بچه‌های فیلم‌نامه‌نویس کار جدیدم مشغول صحبت و برنامه‌ریزی هستیم، می‌گویم محور الان ما باید امید باشد؛ گوهر ناپیدایی که در شرایط بسیار بد امروز جامعه کم‌کم در حال محوشدن است. امید جمعی دارد از بین می‌رود و فضای خطرناکی در حال به‌وجودآمدن است. مسئولیت اجتماعی به‌کلی در حال ازبین‌رفتن است. هم‌اکنون آدم‌ها به‌شدت فردگرا شده‌اند و امید به آینده و زندگی به‌شدت تضعیف شده و از بین رفته است. به نظر ما هر تعبیر و موضوعی که می‌خواهیم پیش برویم، فرض غالب و نخ تسبیح ما باید «امید» باشد. اینکه امید از بین رفته و می‌تواند دوباره شکل بگیرد و شور و حالی در مردم ایجاد کند، کاری که به نظر می‌رسد دیگر در توان دولت نیست. جامعه باید از این وضعیت خطرناک نجات پیدا کند. جامعه ما بیش از هر چیزی نیاز دارد که فضای امیدواری به وجود بیاید؛ اما متأسفانه رفتارهای برخی از جریان‌ها در حاکمیت در راستای ازبین‌رفتن امید در جامعه است، جریان‌هایی که فقط به‌نابل زهرچشم‌گرفتن و مصداق باز ی‌کی بر سر شاخ بن می‌برید، هستند.

رسانه، جامعه، حریم خصوصی – قسمت آخر

استثنائایی برای عدم رعایت حریم شخصی



► **صادق صدقگو**
دکترای مدیریت رسانه

موضوع حریم خصوصی و مرزهای آن، یک محدوده استثنایی و بسیار مهم دارد. افرادی که سرمایه مادی یا معنوی آنان برگرفته از مردم است و بر اساس آرای مستقیم یا غیرمستقیم مردم انتخاب شده یا با بهره‌گیری از تربیون‌های رسمی و امکانات عمومی، محبوبیتی به دست آورده‌اند و از این رهگذر، رشد و ترقی یا انتفاع شخصی داشته‌اند، حریم خصوصی‌شان بسیار کوچک‌تر از اشخاص عادی جامعه است.

گفتار، رفتار و کردار اشخاص مشهور (سلب‌ریتی‌ها) و مقامات رسمی، مستقیماً جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از این رو جامعه نیز حق دارد زندگی آنها را رصد کند تا ابهامات و اشکالات را در رسانه‌ها روشنگری کند.

به عنوان مثال اموال، دارایی‌ها و میزان درآمد افراد بخشی از حریم خصوصی آنان محسوب می‌شود، اما شخصی که می‌پذیرد تا در مقام وزیر، نماینده مجلس، رؤسای سه قوه ... فعالیت کند، پیش از تصمیم برای حضور در این کسوت، پذیرفته است که این موضوع و مباحثی از این دست، جزء حریم خصوصی وی محسوب نخواهد شد و ذره‌بین رسانه‌ها (و مردم) می‌تواند عملکرد مالی و اقتصادی او را رصد و نتایج پایش صادقانه و منصفانه خود را منتشر کند. احساس مسئولیت اجتماعی در افراد مختلف و به تبع آن کنشگری و تلاش آنان برای اصلاح وضع موجود، نافی حریم خصوصی‌شان نیست و برای این حریم خصوصی کوچک و در عین حال متفاوت نیز مرزی تعریف شده است. مرزی که حتی تفاوت میان قول و فعل افراد نیز مجوزی برای شکستن آن نیست

تجربه‌دیگران

سلفی‌های ممنوعه با یادبودهای جنگ

کشتارهای جمعی، جنگ‌های بی‌پایان و اختلاف عقیده‌های منجر به نسل‌کشی، در طول تاریخ رخ داده است و پیشینیان پشیمان از این رخدادها سعی کرده‌اند تا یادبودی برای این اتفاق‌های دردناک خلق کنند؛ یادگارهایی که شاید سبب شود گاهی به سوی صلح و آرامش برداشته شود. اما در این میان گاه‌گاه دغدغه امروزی یعنی ثبت خود در عکس‌هایی از این مکان سبب می‌شود تا واکنش و احساسات دیگران برانگیخته شود. برخی از



از یک فواره با ۱۱ قسمت تشکیل شده است که هر کدامشان نام کسانی را که در حادثه ۱۱ سپتامبر جان داده‌اند، درخت بازمانده ۱۱ سپتامبر نیز درختی است که درپی این حادثه دلخراش از بین رفته و به عنوان یادبودی از این حادثه تلقی می‌شود. بیش از ۵۸ هزار نفر در طول جنگ ویتنام جان خود را از دست دادند و به نشان یادبود آنها دیواری در واشنگتن‌دی‌سی ساخته شده است که نام کشته‌شدگان روی آن درج شده است. پارکی به عنوان یادبود فاجعه هیروشیما

یادداشت

حذف کودکی‌کار



► **فاطمه قاسم‌زاده**

کار کودکان در خیابان با همه مشکلات و آسیب‌هایش به نسبت کار در کارگاه‌ها و اماکن بسته، این امتیاز را دارد که از تحرک و آزادی عمل بیشتری برخوردار است.

بسیاری از کودکان کار در خیابان که محل فعالیت آنها نزدیک پارک‌هاست، معمولاً در ساعاتی از روز برای استراحت و بازی که از حقوق طبیعی آنان است، به پارک می‌آیند.

پارک محله ما نیز بسیار نزدیک خیابان و چهارراهی است که همیشه تعداد نسبتاً زیادی از کودکان دختر و پسر از حدود پنج تا ۱۲-۱۳ سال به تمیزکردن شیشه ماشین‌ها می‌پردازند و معمولاً با ناراحتی و گاه با رفتار نادرست راندگان روبه‌رو می‌شوند.

این کودکان هنگام ظهر برای خوردن ناهار و خوابیدن روی چمن‌ها و عصرها برای بازی با وسایل ورزشی به پارک می‌آیند. عصرها معمولاً پارک شلوغ است و کودکان و نوجوانان با خانواده‌های خود به پارک می‌آیند. در این هنگام کودکان کار بیشتر از آنکه بازی کنند و لذت ببرند، با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌شوند. نگاه‌های سرد و طردکننده خانواده‌ها به آنان بی‌آنکه حرفی بزنند، آن‌قدر سنگین و گویاست که آنها با همه وجودشان آن را حس می‌کنند و به همین علت در این ساعات به داخل محوطه بازی کودکان نمی‌روند. کنار آن می‌ایستند و با نگاهی حسرت‌بار و گاه خشمگین و تمسخرآمیز به تماشا می‌پردازند.

در قسمت‌های دیگر پارک نیز کودکان و نوجوانان با انواع وسایل بازی خود مانند دوچرخه، توپ، اسکیت و... به بازی مشغول‌اند و کودکان کار نیز همچنان با اندوه و خشم به تماشا ایستاده‌اند.

گاهی رفتار آنان با کودکان کار بهتر از بزرگسالان است و در مواردی دوچرخه یا اسکیت خود را دور از چشم والدینشان به آنها می‌دهند. برخی نیز با غرور و بی‌توجهی و گاه تحقیر از کنار آنها می‌گذرند.

بدون تردید تکرار روزانه چنین صحنه‌هایی در رفتار کودکان کار تأثیرگذار است و آنان را برحسب تفاوت‌هایی که با هم دارند، به ناامیدی، خشم، انتقام‌گیری، حسادت، اندوه، احساس کم‌ارزشی و افسردگی می‌کشد؛ خصوصیاتی که هر کدام می‌تواند بر سلامت روانی این کودکان یا ارتباط سالم آنان با دیگران تأثیرات ناگواری داشته باشد. برای کاهش این رفتارهای نادرست، آموزش همگانی، نقش مؤثری دارد. در این زمینه با کمبودهای اساسی روبه‌رو هستیم.

بر اساس قوانین مهاجریذیری، کشورهایی که تمایل و توانایی این کار را دارند، موظف‌اند وقتی پناه‌جو یا مهاجری به کشورشان می‌آید، به‌ویژه درباره کودکان، باید مانند یک شهروند، از حقوق اساسی خود ازجمله آموزش، بهداشت، احترام و زندگی شایسته برخوردار باشند. درست است که در شرایط فعلی جامعه ما برخی از این حقوق اساسی برای برخی از کودکان جامعه ما تحقق نیافته است اما این امر نباید مانع از رسیدگی به وضعیت کودکان پناه‌جو و مهاجر در کشور ما باشد.

مسئله دیگر رفتار با این کودکان است. پیمان‌نامه حقوق کودک که جمهوری اسلامی آن را پذیرفته است، به‌عنوان یکی از اصول خود، بر منع هر نوع تبعیض بین کودکان تأکید می‌کند. در این زمینه باید فرهنگ‌سازی و آموزش‌های لازم به مردم ارائه شود. در این مورد نقش رسانه‌ها به‌ویژه «رسانه ملی» بسیار مهم است که متأسفانه کمتر به این موضوع مهم پرداخته شده است. چگونگی رفتار با انسان‌ها به‌ویژه با کودکان، صرف‌نظر از ملیت، جنسیت، موقعیت و... آنها چگونه باید باشد، امر مهمی است که متأسفانه در جامعه ما مغفول مانده. یکی از شرایط مهم مهاجریذیری در هر کشور، آگاهی مردم از چگونگی رفتار با آنان است. به مهاجران از نظر اقتصادی در کشور ما کم‌مهری می‌شود اما از نظر انسانی، حقوق آنان رعایت نمی‌شود. در این زمینه تشکلهای غیردولتی به‌ویژه سازمان‌هایی که در حوزه حمایت از کودکان کار، فعالیت دارند، نقش مهمی بر عهده دارند.

کودکان چه ایرانی و چه غیرایرانی در جامعه‌ای که فقر و فاصله طبقاتی شدت دارد، با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند. در این مورد شاید به هم تفاوت چندانی نداشته باشند. در بسیاری از موارد، در ارتباط با کودکان کار در خیابان، تشخیص کودکان ایرانی و افغانستانی دشوار است. هر دو عمدتاً به علت فقر به کار خود می‌انداشند، نه به ملیت، جنسیت و ... و تداوم این روند را خواستارند.

به همین علت است که کار کودکان، با وجود شعار جهانی امیدبخش «حذف کار کودک» همچنان تداوم دارد. حذف کار کودک جز با تغییر ساختارهای اقتصادی – اجتماعی نظام‌های موجود، امکان‌پذیر نیست.